

Ulumhadith

Twenty- fifth No 1
Summer (Mar - July 2019)

فصلنامه علمی علوم حدیث

سال بیست و پنجم شماره ۱ (پیاپی ۹۵)
بهار ۱۳۹۹، ص ۱۴۴ - ۱۱۵

بررسی و داوری ادله بی اعتباری روایت لیلة الرغائب

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۰

فاطمه ژیان^۱

چکیده

در روایتی از پیامبر ﷺ اولین شب جمعه ماه رجب، به لیلة الرغائب موسوم شده و برگزاری نمازی خاص در این شب سفارش شده است. بر پایه این روایت، از دیرباز اعمال خاص اولین شب جمعه ماه رجب مورد توجه بسیاری از متشرعان بوده و هست. از حدود قرن هفتم به بعد، در اصالت روایت، نام گذاری این شب به لیلة الرغائب و برگزاری نماز آن، تردیدها و انتقاداتی شکل گرفت و گسترش یافت. تعداد قابل توجهی از حدیث پژوهان اهل تسنن در اثبات بی اعتباری این روایت کوشیده و برگزاری نماز رغائب را بدعت خوانده اند، اما شیعی مذهب ان کمتر به مناقشه در این روایت پرداخته و بسیاری از آنان بر اساس قاعده تسامح به استحباب یا جواز برگزاری نماز رغائب حکم کرده اند. بررسی ها نشان می دهد که اگر چه طرق موجود از این روایت، متقن نیست، اما شواهدی گواه بر آن است که منابعی در قرون نخستین و پیش از قرن چهارم به نقل آن پرداخته اند و انتقادات وارد شده، بر محتوای این روایت استوار نبوده و دلالت روایت خالی از اشکال است.

کلید واژگان: لیلة الرغائب، نماز لیلة الرغائب، اعتبارسنجی روایات.

مقدمه

«رغائب» جمع «رغیبة» از ماده «رغب» به معنای طلب کردن و داغ نهادن^۲ و «رغب فیه و

۱. دکترای علوم و قرآن حدیث، بورسیه دانشگاه حضرت معصومه سلام الله علیها (fa_zhian@yahoo.com).

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۱۵.

الیه» دارای مفهوم حریص بودن و «رغب عنه» کناره‌گیری و دوری جستن است. «رغیبه» به معنای عطای بسیار به جهت مطلوبیت و یا به جهت زیادی و وسعت آن است^۳ و گاه به معنای ثواب عظیم نیز بکار می‌رود.^۴ «لیلة الرغائب» را بدان جهت چنین نامند که خداوند در این شب به هر آن که بخواهد، بسیار عطا نماید.^۵

در سالهای اخیر، در میان فارسی‌زبانان، لیلة الرغائب به شب آرزوها معروف و مشهور شده است که نامگذاری مناسبی به نظر نمی‌رسد.^۶ گاه نیز در میان عامه مردم این شب به عنوان زمان انتقال حضرت رسول اکرم ﷺ از صلب پدر به رحم مادر شناخته می‌شود، اما در هیچ یک از کتب روایی و تاریخی اثری از این سخن به میان نیامده است.^۷ گاه نیز به اشتباه، آن را لیلة البرات خوانند، در حالی که لیلة البرات، شب نیمه شعبان است، نه اولین شب جمعه ماه رجب.^۸

در روایتی به نقل از «انس بن مالک» از رسول خدا ﷺ، آداب نماز ۱۲ رکعتی این شب، فضیلت آن و پاداش آن بیان شده است.^۹ ظاهر روایت، آن است که لیلة الرغائب، اولین شب جمعه ماه رجب است و گویا اگر اول ماه رجب جمعه باشد، اعمال آن در دومین شب جمعه ماه رجب انجام می‌شود.^{۱۰}

از دیرباز اولین شب جمعه ماه رجب و برگزاری نماز آن مورد توجه سالکان طریقت و جویندگان رحمت و مغفرت الهی بوده است. گرچه بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن ۱۱، بسیاری از روایات ضعیف‌السند، در غیر واجبات، مورد پذیرش گروهی از فقها قرار گرفته و آنان به استحباب اعمال سفارش شده در این گونه روایات حکم نموده و یا انجام آن‌ها را به

۳. لسان العرب، ج ۱، ص ۴۲۲؛ المفردات، ص ۳۵۸.

۴. الباعث علی انکار البدع والحوادث، ج ۱، ص ۴۲.

۵. روح البیان، ج ۵، ص ۵۲۰.

۶. رک: «بررسی اعتبار روایت لیلة الرغائب و تحقیق در معنای رغائب».

۷. فرهنگ اصطلاحات وقف در امپراطوری عثمانی، ص ۱۱۳.

۸. همان، ص ۱۱۳.

۹. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۸۵؛ احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۰۳.

۱۰. ترجمه المراقبات، ص ۱۵۹.

۱۱. بحث از قاعده تسامح در ادله سنن بحث بسیار دامنه‌داری است که از دیرباز مورد بحث اصولیان بوه است که حتی مروری بر کلیات و ادله روایی و عقلی معتقدان و منکران آن در این مجال نمی‌گنجد. با این وجود، برای برخی روایاتی که از آن‌ها تسامح در ادله سنن را استنباط نموده‌اند، رک: رجال البرقی، ص ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۰-۸۲.

قصده رجاء سفارش کرده اند^{۱۲} اما از آنجا که اولاً این قاعده مورد پذیرش همگان نیست و ثانیاً یکی از شرایط برآورده شدن حاجات، درخواست در اوقات سفارش شده و مناسب است و از طرف دیگر محدود بودن فرصت انسان ایجاب می کند تا در میان اعمال و اذکار وارده در کتب ادعیه، روایات دارای اعتبار بیشتر در اولویت قرار گیرند. بررسی ها نشانگر آنند که در کتب روایی - خصوصاً کتب اهل تسنن - از حدود قرن هفتم، تردیدهایی درباره نماز لیلۃ الرغائب و حتی نامگذاری این شب شکل گرفت و گسترش یافت تا جایی که جمع قابل توجهی از علمای اهل تسنن آن را بدعت خواندند. به جهت برخوردهای شدید گروهی از علما، خصوصاً علمای اهل تسنن، با برگزاری نماز رغائب و انکار اعتبار روایت آن از یک سو و حکم به استحباب و سفارش اکید گروهی دیگر بر انجام اعمال این شب از سوی دیگر، بررسی و داوری دقیق نظرات حدیث پژوهان و صاحب نظران شیعی و اهل تسنن، در اعتبار روایت لیلۃ الرغائب و نماز آن ضروری می نماید و سؤالی مهم در اینجا آن است که آیا علمای شیعی و اهل تسنن در بیان میزان اعتبار این روایت هم داستانند و یا در این موضوع اختلاف کرده و در بیانات آنان از جهت شدت و ضعف تفاوتی به چشم می خورد؟ همچنین دلایل منکران روایت لیلۃ الرغائب تا چه میزان از متقن و استوار است؟ به همین منظور دلایل ارائه شده از سوی علمای اهل تسنن مجزای از نظرات شیعیان مورد بررسی قرار گرفته و از آنجا که منکران لیلۃ الرغائب در میان اهل تسنن، بیشتر و برخوردشان با این روایت شدید اللحن تر است، ابتدا روایت لیلۃ الرغائب و ادله انکار آن در میان صاحب نظران اهل تسنن بررسی و سپس آرای علمای شیعی در این موضوع واکاوی شده است تا در نهایت میزان اعتبار روایت مذکور احراز شود.

درباره اعتبار روایت لیلۃ الرغائب در نوشتارهایی از شیعه و اهل تسنن که در موضوع اعمال شبانه روز به نگارش درآمده است، به صورت پراکنده و به اختصار مطالبی درج شده که در مباحث آتی به نقل آن ها پرداخته خواهد شد. اخیراً مقاله ای توسط دکتر طیب حسینی درباره این روایت، در نشریه حدیث پژوهی به چاپ رسیده است که با نگاهی گذرا به اعتبار این روایت، به کاوش در زمینه مفهوم رغائب پرداخته است اما تا کنون نوشتاری مستقل که ادله صاحب نظران شیعه و اهل تسنن در این زمینه را به داوری نشستہ باشد، به نگارش درنیامده است.

۱۲. رک: «بررسی تسامح در ادله سنن».

۱. لیلۃ الرغائب نزد اهل تسنن

به نظر می‌رسد/احیاء علوم الدین غزالی در قرن پنجم، قدیمی‌ترین مأخذی است که در میان اهل تسنن، به ذکر روایت لیلۃ الرغائب می‌پردازد. غزالی در این کتاب، پس از نقل روایت لیلۃ الرغائب می‌نویسد:

در نظر من این نماز مستحب است؛ چرا که در طول سال‌ها تکرار شده، اما به جهت آن‌که روایت آن خبر واحد است، رتبه‌اش پس از نماز تراویح و عیدین قرار دارد. اما مردم سرزمین قدس بر آن مواظبت کرده‌اند و لذا ترجیح دادم آن را بازگو کنم.^{۱۳}

پس از غزالی، کتب متعدد روایی اهل تسنن به نقل این نماز پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به *التجربید* اشاره کرد.^{۱۴} اگرچه ممکن است از کلام نووی در کتاب *المجموع* چنین برآید که روایت رغائب در متون کهن‌تری همچون *قوت القلوب* نوشته ابوطالب مکی، در قرن چهارم هجری نیز نقل شده است؛ آنجا که پس از اشاره به نماز رغائب و نماز نیمه رمضان می‌نویسد:

نباید ذکر این دو نماز در کتاب *قوت القلوب* و *احیاء علوم الدین* و روایتی که درباره آن بیان شده، موجب فریب انسان شود.^{۱۵}

اما بررسی محتوای *قوت القلوب* نشان‌گر آن است که در این کتاب از نماز و یا حتی فضیلت لیلۃ الرغائب اثری وجود ندارد. گویا مراد نووی آن بوده که کیفیت نماز شب نیمه رمضان در *قوت القلوب*^{۱۶} نقل شده است؛ نه نماز لیلۃ الرغائب.

گروهی از فقها و صاحب نظران اهل تسنن بر جواز و استحباب نماز لیلۃ الرغائب، حکم کرده‌اند؛ همچون ابن صلاح که گرچه در ابتدای امر به منع این نماز فتوا داد، اما سپس به جواز برگزاری آن حکم نمود.^{۱۷} تا جایی که نووی در کتاب خود با اشاره به حکم برخی از صاحبان کتب بر استحباب آن، تذکر می‌دهد که این حکم نباید انسان را بفریبید و گمان نماید که

۱۳. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۰۳.

۱۴. جامع الاصول فی احادیث الرسول، ج ۶، ص ۱۵۴.

۱۵. المجموع، ج ۴، ص ۵۶.

۱۶. قوت القلوب، ج ۱، ص ۱۱۷.

۱۷. مفتاح السعادة و مصباح السیادة، ج ۲، ص ۳۱۹.

روایت آن معتبر است.^{۱۸} در مقابل، گروهی دیگر از علمای اهل تسنن به عدم جواز نماز رغائب و بی اعتباری روایت آن حکم داده اند. می توان آرای علمای اهل تسنن را در بی اعتباری نماز لیلۃ الرغائب به سه قسم تقسیم کرد:

۱ و مجعول بودن روایت، بدعت و حرام بودن نماز لیلۃ الرغائب؛ شاید بتوان تاریخچه انکار نماز لیلۃ الرغائب را به حدود قرن هفتم بازگرداند. نووی در این باره می نویسد:

نماز لیلۃ الرغائب و نماز نیمه شعبان دو بدعت قبیح و ناپسندند و نباید نقل این دو نماز در کتاب قوت القلوب و احیاء علوم الدین، روایت آن و حکم به استحباب برخی از صاحبان کتب انسان را بفریبید.^{۱۹}

ابن کثیر نیز می گوید:

در لیلۃ الرغائب نماز مشهوری است که اساسی ندارد.^{۲۰}

شریبینی در الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع بدعت بودن این نماز را از نووی نقل کرده و با سکوت در برابر آن، رأی او را می پسندد.^{۲۱} ملیباری هندی نیز در فتح المعین، به نقل از اساتیدش از جمله ابن شبهه، احادیث لیلۃ الرغائب را موضوع و نماز آن را بدعتی زشت دانسته^{۲۲} و در ارشاد العباد، افرادی را که به خواندن آن مبادرت می ورزند، گناه کار شمرده و جلوگیری از برگزاری آن را بر حاکمان واجب دانسته است.^{۲۳} دیگرانی همانند رعینی،^{۲۴} بهتونی حنبلی (م ۱۰۵۱ق)^{۲۵} نیز این نماز را بدعت می دانند و علی بن محمد خزرجی، معروف به ابن غانم مقدسی (م ۶۶۵ق) کتابی مستقل در این موضوع با عنوان ردع الراغب عن الجمع فی الصلاة الرغائب گردآورده است.^{۲۶}

۲. ضعف روایت، کراهت و ناپسند بودن برگزاری نماز لیلۃ الرغائب به جماعت؛ ابن نجم

۱۸. المجموع، ج ۴، ص ۵۶.

۱۹. همان.

۲۰. البداية و النهاية، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲۱. الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲۲. فتح المعین، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲۳. اعانة الطالبین، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲۴. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۳۲۳.

۲۵. کشف القناع، ج ۱، ص ۵۳۹.

۲۶. المجموع، ج ۴، ص ۵۶.

مصری، در قرن دهم، پس از ذکر دلایلی می نویسد:

کراهت اجتماع بر نماز لیلۃ الرغائب و بدعت بودن آن دانسته می شود.^{۲۷}

ابن عابدین حنفی (م ۱۲۵۲ق) نیز کلام ابن نجم را نقل کرده و بر این سخن انتقادی وارد ندانسته است.^{۲۸} گویا کتاب مقدسی پیش گفته نیز، همان گونه که از نامش هویدا است، در انکار جواز به جماعت برگزار نمودن این نماز باشد. قابل توجه است که بدانیم، برخی نیز همچون ابن صلاح معتقدند که هر نماز مستحبی را می توان به جماعت برگزار کرد، اما سنت دانستن برگزاری این نماز به جماعت و شماره کردن آن از شعائر اسلام را بدعت می دانند.^{۲۹}

۳. ضعف روایت، کراهت و ناپسند بودن مداومت بر نماز لیلۃ الرغائب؛ اینان تکرار و مداومت هر ساله آن را ناپسند دانسته اند. ابن الحاج از طرطوشی نقل می کند که اگر روایتی در فضایل دارای سند ضعیف باشد، عمل بدان جایز است و لکن نباید بر آن مداومت ورزید؛ چرا که اگر ملکف بر چنین عملی مداومت نکند و در عالم واقع روایت درست بوده باشد، به آن عمل کرده و اگر نادرست باشد، عمل خیری را انجام داده، اما آن را از شعائر اسلام ندانسته است و از آنجا که صحت روایت نماز رغائب، محل اشکال است، این نماز نیز همین حکم را داراست.^{۳۰}

۲. ادله انکار لیلۃ الرغائب نزد اهل تسنن

صاحب نظرانی از اهل تسنن که نماز لیلۃ الرغائب را بدعت و برگزاری آن را نهی کرده و گاه حتی خاص و ویژه بودن لیلۃ الرغائب را منکر شده و نام گذاری آن را مورد انتقاد قرار داده اند، دلایلی بر ادعای خویش ارائه نموده اند که در ذیل به واکاوی این دلایل پرداخته شده است:

۲-۱. ضعف سند و ساختگی بودن روایت

می توان گفت عمده ترین دلیل منکران روایت رغائب، جعلی دانستن این روایت است تا جایی که برخی از علمای اهل تسنن، بر جعلی بودن این روایت ادعای اجماع کرده اند.^{۳۱}

۲۷. البحر الرائق، ج ۲، ص ۹۳.

۲۸. حاشیه ردالمختار، ج ۲، ص ۲۷.

۲۹. الباعث علی انکار البدع والحوادث، ج ۱، ص ۴۱.

۳۰. المدخل، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳۱. حقیقه السنه والبدع، ص ۱۶۶.

کنوی می نویسد:

این حدیث به اتفاق اکثریا تمامی محدثان موضوع است و نظر مخالفان آن دارای اهمیت نیست.^{۳۲}

ابن جوزی (م ۵۹۷ق) در کتاب معروف خود، *الموضوعات*، در بیان دلیل جعلی بودن این روایت، می نویسد:

روایت نماز لیلۃ الرغائب، روایتی ساختگی است که ابن جهیم به جعل آن متهم است و من از عبدالوهاب حافظ شنیدم که می گفت: راویان این روایت مجهول اند. تمامی کتب روایی را برای یافتن چنین روایتی جست و جو کردم، اما آن را نیافتم.^{۳۳}

رعینی (به نقل از اساتیدش)^{۳۴} و ابن حجر نیز این روایت را مجعول دانسته اند.^{۳۵} بنا بر آنچه آمد، مهم ترین دلیل مجعول خواندن این روایت دو انتقاداتی است که بر سند این روایت وارد شده: یکی وجود راوی متهم به کذب و دیگری وجود راویان مجهول در سند آن. برای بررسی صحت چنین ادعایی دو سند از این روایت را بنگریم:

سند نخست:

أَبَانَا عَلِيَّ بْنَ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الرَّأْعُوْنِيِّ أُنْبَأَنَا أَبُو زَيْدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأَصْفَهَانِيُّ
أُنْبَأَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مَنْدَةَ وَأُنْبَأَنَا مُحَمَّدُ بْنُ نَاصِرِ الْحَافِظِ
أُنْبَأَنَا أَبُو الْقَاسِمِ بْنِ مَنْدَةَ أُنْبَأَنَا أَبُو الْحُصَيْنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَ جُهَيْمِ الصُّوفِيِّ حَدَّثَنَا عَلِيُّ
بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْبَصْرِيِّ حَدَّثَنَا أَبِي حَدَّثَنَا خَلْفَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ الصَّغَانِيُّ عَنْ
حُمَيْدِ الطَّوِيلِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...^{۳۶}

همان گونه که ملاحظه می شود، در این سند تحویل صورت گرفته و در واقع ابن جوزی دو سند برای این روایت ذکر کرده است که در انتها با یکدیگر مشترک خواهند شد و یکی از سندها نسبت به سند دیگر کوتاه تر و به اصطلاح «عالی» است. رجالیان اهل تسنن از راوی

۳۲. الآثار المرفوعة فی الاخبار الموضوعه، ص ۷۴.

۳۳. المنتظم فی تاریخ الامم، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۶.

۳۴. مواب الجلیل، ج ۳، ص ۳۲۳.

۳۵. تبیین العجب، ص ۵۱.

۳۶. الموضوعات، ج ۲، ص ۱۲۴.

این روایت از پیامبر ﷺ، «أنس بن مالك» در منابع رجالی - که به ذکر راویان ثقه اختصاص دارند - یاد کرده‌اند^{۳۷} و حتی برخی او را از جمله اصحاب صاحب کرامت دانسته و نقل کرده‌اند که بر اثر دعای وی در سرزمینی که دچار خشک سالی شده بود، باران بارید.^{۳۸}

گروهی از راویان این روایت توثیق و مدح شده‌اند؛ «علی زاغونی» از اساتید ابن جوزی^{۳۹} و از بحور علم^{۴۰} و مشهور به صلاح و دیانت و ورع بوده^{۴۱} و توثیق شده است.^{۴۲} «ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق بن مندة» از راویان ابن جهیم^{۴۳} و ممدوح است^{۴۴} و ذهبی معتقد است که تمامی «بنی منده» از اعلام حفاظ هستند.^{۴۵} «محمد بن ناصر بغدادی»، استاد ابن جوزی یکی از لغت دانان عرب^{۴۶} نیز توثیق شده است.^{۴۷} «حُمَید الطَّویل^{۴۸}»، «ابوعبیده»^{۴۹} (م ۱۴۳ق)^{۵۰} علی رغم توثیقش^{۵۱} متهم به تدلیس است.^{۵۲}

در میان راویان این روایت، از «ابوزید اصفهانی» و «علی بن محمد بن سعید بصری» در کتب رجالی اهل تسنن یاد نشده، به مجهول بودن «خلف بن عبدالله صغانی» تصریح شده است.^{۵۳} «محمد بن سعید» نیز مشترک میان «الکریزی الاثرم» و «الارزق» است^{۵۴} که اولی

۳۷. الثقات، ج ۳، ص ۴؛ معرفة الثقات، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳۸. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۳۷۸.

۳۹. المنتظم فی تاریخ الامم، ج ۱۷، ص ۲۷۹.

۴۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۶۰۵.

۴۱. الذیل علی طبقات الحنابلة، ج ۱، ص ۴۰۵.

۴۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴۳. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۴۹.

۴۴. همان.

۴۵. همان، ج ۴۸، ص ۱۷.

۴۶. همان، ج ۲۶۶، ص ۲۰.

۴۷. المنتظم فی تاریخ الامم، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۴۸. علت نام گذاری وی به طویل را درازی دستانش دانسته‌اند (التاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۳۴۸).

۴۹. تاریخ ابن معین، ج ۲، ص ۶۲.

۵۰. طبقات خلیفة، ص ۳۷۶.

۵۱. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۲۱۹.

۵۲. الثقات، ج ۴، ص ۱۴۸.

۵۳. الجرح والتعديل، ج ۳، ص ۳۷۰.

۵۴. لسان المیزان، ج ۲، ص ۴۰۳.

اولی ضعیف الحدیث^{۵۵} و دومی نیز در کتب رجالی مذکور نیست.

در ترجمه «ابوالحسین علی بن عبدالله بن جهیم» اختلاف نظر وجود دارد؛ چه در ضبط نام وی که در برخی از نسخ «ابوالحسن علی بن عبدالله جهضم» و در برخی نسخ نیز «معلب بن جهضم» ضبط شده^{۵۶} و چه در شرح حال وی که ابن جوزی او واضع نماز رغائب دانسته است.^{۵۷} ذهبی که در سیر اعلام النبلاء او را غیر ثقه و کذاب می داند،^{۵۸} اما در تاریخ اسلام می نویسد:

علی بن عبدالله بن الحسن بن جهضم بن سعید ابوالحسن البورانی الصوفی، نزیل مکه و مصنف کتاب بهجة الاسرار... و كان ثقة صدوقاً عالماً زاهداً... قد اهتموه بوضع هذا الحديث [لیلۃ الرغائب].^{۵۹}

سند دیگری را که ذهبی آورده، چنین است:

قَرَأْتُ عَلَيَّ الْأَبْرُقُوهِي: أَخْبَرَكُمُ أَحْمَدُ بْنُ مُطِيعٍ إِجَازَةً وَسَمَاعًا فِي غَالِبِ الظَّنِّ أَنَّهُ قَرَأَ عَلَيَّ الشَّيْخُ عَبْدُ الْقَادِرِ بْنِ أَبِي صَالِحِ الْجَبَلِيِّ، أَنَا هِبَةُ اللَّهِ السَّقَطِيُّ، أَنَا أَبُو الْفَضْلِ جَعْفَرُ بْنُ يَحْيَى الْمَكِّيُّ، أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ الْجَزْرِيُّ، أَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَهْضَمٍ الْهُمْدَانِيُّ، أَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْبَصْرِيِّ، أَنَا أَبِي، أَنَا خَلْفُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّنَعَائِيُّ، مُحَمَّدُ الطَّوِيلُ، عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:...

رجال این سند از ابن جهضم تا انتهای سند، با سند ابن جوزی برابری می کند. از راویان نخستین این سند تنها «هبة الله السقطی» تضعیف شده و درباره وی گفته شده است: ادعا می کرد از افرادی روایت را شنیده که در واقع نشنیده بود و غیر ثقه، کذاب^{۶۱} و قلیل الاتقان^{۶۲} است و از «الحسین بن عبدالکریم الجزری» در کتب رجالی یادی نشده است. دیگر راویان موثق، ممدوح و معروف به علم و دانش هستند؛ «ابوالفضل جعفر بن یحیی

۵۵. الانساب، ج ۱، ص ۸۳.

۵۶. لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۵۵.

۵۷. المنتظم فی تاریخ الامم، ج ۱۵، ص ۱۶۱.

۵۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۲۷۵.

۵۹. تاریخ الاسلام، ج ۲۰، ص ۳۵۰.

۶۰. همان، ج ۲۸، ص ۳۵۱.

۶۱. میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۹۲.

۶۲. لسان المیزان، ج ۶، ص ۱۸۹.

مکی» موثق است.^{۶۳} در توصیف «الأَبْرُقُوهِي» گفته اند که او «مسند و قته» بوده^{۶۴} و «أحمد بن مُطِيع» از شیوخ اجازه^{۶۵} و از «عبدالقادر بن ابی الجَبَلِي» با عنوان شیخ عالم یاد شده است.^{۶۶}

بررسی اسناد روایت لیلۃ الرغائب در کتب اهل تسنن نشان داد که برای این روایت سه طریق تا «ابن جهضم» وجود دارد؛ در یکی از دو طریقی که ابن جوزی آورده، «ابوزید اصفهانی» قرار دارد که شرح حالی از وی در کتب رجالی یافت نشد؛ اما این ضعف با طریق دیگر ابن جوزی به این روایت - که هم از جهت علو و هم از جهت صحت بر آن برتری دارد - قابل جبران است. در طریقی که ذهبی نقل می کند، «هبة الله سقطی» ضعیف و «ابن جزری» مجهول قرار گرفته اند. بنابراین می توان ادعا نمود که این روایت تا ابن جهضم دارای طرق متعدد است که بعضاً معتبرند و در نتیجه نقل آن توسط ابن جهضم قریب به یقین است. سند روایت از «ابن جهضم» به بعد، دارای راویان ضعیف و مجهول الحال است و در ترجمه ابن جهضم نیز تعارضاتی مشاهده می شود؛ گرچه برخی در مقام دفاع از ابن جهضم آورده اند که ذکر روایت لیلۃ الرغائب در کتاب قوت القلوب موجب حکم به براءت ابن جهضم می شود؛ چرا که ابن جهضم پس از ابوطالب مکی می زیسته است و نمی توانسته روایتی را که قبل از او درج شده، جعل کند؛^{۶۷} اما چنین استدلالی درست نمی نماید؛ زیرا همان گونه که گذشت، در قوت القلوب حتی اشاره ای به فضیلت اولین شب جمعه ماه رجب نشده است. بنابراین سند اهل تسنن به روایت لیلۃ الرغائب، به جهت وجود راویان مجهول و تصریح به ضعف برخی از راویان آن، ضعیف است؛ اما حکم به مجعول بودن آن و خصوصاً آن که جاعل آن را «ابن جهضم» بدانیم، نیاز به قراین بیشتری دارد^{۶۸} که در ادامه به سایر قراین و شواهد مطرح شده بر مجعول بودن روایت پرداخته می شود.

۶۳. تاریخ الاسلام، ج ۳۳، ص ۱۴۱.

۶۴. الاعلام، ج ۱، ص ۹۶.

۶۵. تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۵۴.

۶۶. شرح احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۵۳.

۶۷. اتحاف السادة المتقين، ج ۳، ص ۷۰۴.

۶۸. جهت مطالعه قراین نشان گر موضوع بودن روایت در نزد اهل تسنن رک: علوم الحدیث و مصطلحه.

۲-۲. ضعف محتوای روایت

گاه منتقدان روایت لیلۃ الرغائب به نقد متن آن پرداخته و برای اثبات مجعول بودن روایت لیلۃ الرغائب، درصدد یافتن قراینی در محتوای آن برآمدند؛ برخی ثواب عظیم وعده داده شده در این روایت را از موجبات کوتاهی عوام الناس در فریض و دل خوش نمودن و اکتفا به اقامه این نماز دانسته و نیز گفته‌اند:

در این روایت سفارش شده که نماز لیلۃ الرغائب ما بین عشا و عَتَمَه بجا آورده شود؛ در حالی که در روایات صحیح، پیامبر ﷺ از نام گذاری مغرب به عشا و عشا به عتمه نهی کرده‌اند.^{۶۹}

برخی نیز گفته‌اند:

از آداب این نماز روزه داری در روز پنجشنبه است و این درحالی است که اگر ماه رجب در تابستان واقع شود، روزها به شدت گرم و طولانی است و روزه دار نمی‌تواند تا نماز مغرب، چیزی خورد و آنگاه باید به این نماز بایستد که دارای تسبیح و سجود طولانی است و این نهایت سختی و ایذاء است.^{۷۰}

حتی برخی انجام این نماز را مستلزم مفاسد حرامی، همچون اجتماع زن و مرد در شب و مصرف بی‌رویه و بدون نیاز روغن مساجد ذکر کرده‌اند.^{۷۱}

در حالی که این انتقادات وارد نیست:

اولاً، در روایات متعدد اعمالی وارد شده که انجام آن‌ها سهل‌تر از نماز رغائب و اجر و ثواب وعده داده شده در برابر آن‌ها عظیم‌تر از ثواب ذکر شده در این روایت است؛ به عنوان نمونه، از رسول خدا ﷺ روایت است:

هرکسی در هنگام خواب، سه مرتبه سوره توحید و معوذتین را بخواند، مانند فردی است که تمام قرآن را قرائت کرده و ثواب یکی از پیامبران الهی را برد و تمامی گناهانش آمرزیده شود؛ همچون روزی که از مادر متولد شده است.^{۷۲}

۶۹. الباعث علی انکار البدع والحوادث، ج ۱، ص ۲۲.

۷۰. الموضوعات، ج ۲، ص ۱۲۶.

۷۱. المدخل، ج ۱، ص ۱۹۳.

۷۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۹۳.

در منابع اهل تسنن آمده است که پیامبر ﷺ فرمودند:

هر کس سوره توحید را قرائت کند، گویا ثلث قرآن را قرائت نموده و به او ده حسنه به تعداد تمامی افراد مشرک و مؤمن داده خواهد شد.^{۷۳}

بنابراین وعده به ثواب عظیم خود به تنهایی از موجبات ضعف محتوا نبوده و نمی تواند مؤیدی بر جعل روایت باشد. ناگفته نماند که افرادی همچون صبحی صالح، افراط در ثواب فراوان برای کار کوچک را از نشانه های جعلی بودن روایت دانسته اند؛^{۷۴} اما توجه به این نکته، مهم است که اگر ملاک ذکر شده قابل پذیرش باشد، نماز لیلۃ الرغائب امر کوچکی نیست؛ چنان که - همان گونه که آمد - گروهی از منتقدان بر طاعت فرسا بودن آن انتقاد نموده اند. ثانیاً، در منابع شیعی، روایات متعددی دال بر خواندن نماز عشا به عتمه وجود دارد؛ از جمله در بخشی از روایت بحار الانوار آمده است:

هر کس نماز عتمه را بخواند، بدنش بر آتش دوزخ حرام گردد.^{۷۵}

علامه مجلسی خود در بحار الانوار، دلایلی بر مکروه نبودن نام گذاری عشا به عتمه آورده است.^{۷۶} بله برخی از علمای شیعی همچون شیخ طوسی، بر اساس روایات اهل تسنن، به کراهت (نه حرمت) این نام گذاری حکم کرده اند؛^{۷۷} اما در خور توجه است که در منابع اهل تسنن روایاتی در منع و نیز روایاتی دیگر در جواز این نام گذاری به چشم می خورد؛ تا جایی که برخی از علمای سنی مذهب همچون نووی و ابن حجر چاره جویی هایی برای رفع این تعارض ها ارائه کرده اند؛ همانند آن که خوانده شدن نماز عشا به عتمه جایز است و نهی پیامبر از جهت تنزیه است و یا آن که نهی پیامبر ﷺ از استعمال لفظ عتمه بر عشا، در برابر مخاطبانی است که با این اسامی بیگانه اند^{۷۸} و یا نهی پیامبر ﷺ تنها در مقابل بیابان نشینان است.^{۷۹}

۷۳. مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۳۵۶.

۷۴. علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۵۸.

۷۵. بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۹۶.

۷۶. همان، ج ۷۹، ص ۲۵۵.

۷۷. همان، ج ۲، ص ۳۸۹.

۷۸. شرح صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۴۱.

۷۹. فتح الباری، ج ۲، ص ۳۶.

ثالثاً، احادیث متعددی از طریق شیعه و اهل تسنن، روایت شده که افضل عبادات، سخت‌ترین آن‌هاست؛^{۸۱} ضمن آن‌که عبادات متعدد دیگری نیز وارد شده است که به جا آوردن آن، چه بسا از نماز لیلۃ الرغائب دشوارتر است و احدی به آن‌ها انتقاد نکرده است؛ همانند آنچه در تعقیبات نماز صبح، در برخی از کتب اهل تسنن، ذکر شده است؛^{۸۱} ضمن آن‌که امکان افطار مختصر قبل و یا بعد از نماز مغرب وجود دارد و خواندن دوازده رکعت نماز با کیفیتی که در روایت آمده، خارج از طاقت و توان افراد نیست.

رابعاً، استفاده از امکانات مساجد برای انجام عبادات، نه تنها از مصادیق اسراف نبوده، بلکه بهره‌بری از آن‌ها برای اهداف اصلی‌شان است. مسأله اجتماع زنان و مردان و بیم خطر، در شب هنگام نیز بسته به شرایط فرهنگی و اجتماعی مناطق گوناگون متفاوت است و افراد خود باید شرایط را در نظر داشته و در مواقعی که بیم گناه یا سایر خطرات می‌رود، مراعات نمایند. عدم رعایت احتیاط از سوی اقامه‌کنندگان نماز، نقصی به روایت وارد نمی‌کند؛ ضمن آن‌که این امر در صورتی است که نماز به جماعت برگزار شود که سخن درباره آن گذشت. بنابراین لازمه برگزاری این نماز، افتادن در ورطه گناهان نیست و این استدلال نه به طور مستقل و نه حتی در کنار سایر قرائین نمی‌تواند از جمله دلایل و شواهد ضعف محتوا و در نتیجه، ساختگی بودن روایت باشد.

۲-۳. عدم وجود روایت در منابع روایی

عبدالوهاب حافظ پس از مجهول خواندن راویان روایت لیلۃ الرغائب می‌نویسد:

همه کتاب‌ها را برای یافتن این روایت گشتم، اما آن را نیافتم.^{۸۲}

ابن‌اثیر نیز می‌نویسد:

این روایت را در کتاب رزین دیدم، اما در هیچ‌یک از کتب سته آن را نیافتم و لذا

این روایت از این جهت مطعون است.^{۸۳}

۸۰. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱؛ عون‌المعبود، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۸۱. قوت القلوب، ص ۱۵.

۸۲. الموضوعات، ج ۲، ص ۱۲۵.

۸۳. جامع الاصول فی احادیث الرسول، ج ۶، ص ۱۵۴.

همچنین ابن کثیر، نماز لیلۃ الرغائب را از مشهورات بدون اصل شماره کرده است.^{۸۴} اشکال مطرح شده را می توان به دو بخش تفکیک کرد: یکی عدم وجود روایت در منابع روایی و دیگری عدم وجود روایت در صحاح سته؛ در حالی که اولاً، عدم وجود روایت در کتب سته، موجب ضعف روایت نیست، چه رسد به مجعول بودن آن؛ چرا که هرگز صاحبان کتب سته مدعی نشده اند که روایات صحیح به آنچه آنان نقل کرده اند، منحصر است. ثانیاً، این روایات قبل از کتاب رزین (م ۵۳۵ق)، در آثار قرن پنجم از جمله *احیاء علوم الدین* یافت می شود. گرچه پیشینه قدیمی تری در میان منابع اهل تسنن، برای این روایت، یافت نشده است، اما آنچه مسلم است و از کلام ناقلان این نماز برمی آید،^{۸۵} غزالی و امثال او این روایت را از منابعی که در اختیار داشته اند، بازگو کرده اند که متأسفانه امروزه از میان رفته است.

۲-۴. عدم گزارش عمل سلف به آن

برخی معتقدند که این نماز از قرن پنجم به بعد در بیت المقدس ساخته شده و هیچ یک از صحابه و تابعان به آن عمل نکرده اند. ابن تیمیه در این باره می نویسد:

رسول خدا ﷺ و هیچ یک از صحابه، تابعان و ائمه مسلمانان آن را به جای نیاورده و برای این شب فضیلتی ذکر نکرده اند و روایت مذکور، به اتفاق اهل معرفت، مجعول است و لذا محققان معتقدند که نماز آن ناپسند و غیر مستحب است.^{۸۶}

ابن صلاح معتقد است که این نماز از سال ۴۰۰ به بعد در شام ظهور یافت و سپس در سایر بلاد منتشر شد.^{۸۷} ابن الحاج نیز به نقل از طرطوشی می نویسد:

اولین بار این نماز در مسجد الاقصی، برگزار شد و فردی آن را بدعت نهاد.^{۸۸}

همچنین ابن رجب حنبلی می نویسد:

روایات این نماز ساختگی است و هیچ یک از محدثان متقدم آن را نقل

۸۴. البداية والنهاية، ج ۲، ص ۱۰۹.

۸۵. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۰۳.

۸۶. مجموع الفتاوی، ج ۲۳، ص ۱۳۵.

۸۷. الباعث علی انکار البدع والحوادث، ص ۴۱.

۸۸. المدخل، ج ۱، ص ۲۹۳.

نکرده‌اند. این نماز از سال ۴۰۰ به بعد ظهور پیدا کرده و لذا متقدمان آن را نمی‌شناخته و از آن سخنی به میان نیاورده‌اند.^{۸۹}

در برخی از منابع نیز سازنده این نماز شخصی به نام «ابن الحی» معرفی شده است. آورده‌اند که او دارای تلاوتی زیبا بود و در مسجد الاقصی در سال ۴۴۰ این نماز را برپا کرد.^{۹۰} عزالدین بن عبدالسلام نیز معتقد است که نماز لیلۃ الرغائب و نماز شب نیمه شعبان تا سال ۴۴۸ در بیت المقدس ناشناخته بود تا آن که «ابن الحی» آن را اقامه کرد و جماعتی به او پیوستند و سپس سال بعد نیز این نماز برگزار شد تا آن که این نماز در خانه‌های مسلمانان انتشار یافت.^{۹۱}

اگر چنین فرضیه‌ای درست باشد، باید بگوییم که غزالی که مدتی را در قدس اقامت داشت، این نماز را - که ساخته فرد یا گروهی در آن سامان است - در کتاب خود وارد کرده است؛ در حالی که ظاهر کلام غزالی، غیر از فرضیه بیان شده را می‌رساند؛ آن جا که می‌نویسد:

این نماز در طول سال‌ها تکرار شده است.^{۹۲}

از سخن او چنین برمی‌آید که نماز لیلۃ الرغائب امر نوظهوری در قرن پنجم نبوده و مسلم است که افرادی که در آن عصر می‌زیسته‌اند، به وقایع آن سامان و آن زمان آگاه تر بوده‌اند. نکته دوم، آن که از آنچه توسط ابن عبدالسلام و دیگران بیان شده است، چنین برمی‌آید که در منطقه بیت المقدس، این نماز معروف و مشهور نبوده و فردی به نام «ابن الحی» آن را رواج داده است - نه آن که آن را ساخته باشد - و از آن به بعد، این نماز در بیت المقدس، مورد اهتمام بسیاری قرار گرفته و مردم آن دیار بر آن مواظبت نمودند. نکته سوم، این که بدعتی که در بیت المقدس پایه‌ریزی شد، بدعت برگزاری این نماز به جماعت است؛ چنان که برخی از علمای اهل تسنن، بر کراهت برگزاری آن به جماعت حکم نموده‌اند و شرح آن گذشت.

۲-۵. تکرار یک سوره در یک رکعت

ابن‌الحاج یکی از دلایل بدعت بودن این نماز را عدم مطابقتش با مذهب مالک دانسته و

۸۹. لطائف المعارف، ج ۱، ص ۱۱۸.

۹۰. السنن و المبتدعات، ص ۱۶۱.

۹۱. اتحاف السادة المتقين، ج ۲، ص ۷۰۲-۷۰۳.

۹۲. احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۰۳.

می نویسد:

مالک تکرار یک سوره در یک رکعت را جایز نمی داند.^{۹۳}

در حالی که اولاً حکم به عدم جواز تکرار سوره واحد، در رکعت واحد، مورد اختلاف علماست^{۹۴} و در ثانی مسأله جواز یا عدم جواز این امر، در نمازهای واجب قابل طرح است، نه نمازهای مستحبی؛ همان گونه که در روایتی از امام کاظم علیه السلام درباره فردی که در یک رکعت، دو سوره را قرائت کرده سؤال شد، ایشان فرمودند:

ان كانت نافلة فلا بأس.^{۹۵}

ترمذی نیز در کتاب خود بابی را تحت عنوان «قراءة سورتين في ركعة» باز کرده است^{۹۶} و تردیدی در جواز قرائت تکرار یک سوره یا قرائت چند سوره در رکعت واحد، در نمازهای مستحبی وجود ندارد و اختلاف در نمازهای واجب است و نمازهای مستحبی متعددی در منابع اهل تسنن نقل شده که در آنها سوره واحد در رکعت واحد تکرار می شود؛ همچون نماز منقول در روز سه شنبه که در رکعات آن سوره توحید سه مرتبه تکرار می شود.^{۹۷}

۳. ليلة الرغائب نزد شیعیان

قدیمی ترین منبع شیعی موجود که به بیان روایت فضیلت اولین شب جمعه ماه رجب و اعمال آن پرداخته، مفید العلوم و مبیّد الهموم است که منتسب به «محمد بن عباس خوارزمی (م ۳۸۳ ق)^{۹۸} است. این روایت، در این کتاب بدون ذکر سند و منبع نقل شده است.^{۹۹} منبع قدیمی تردیگری که این روایت را نقل نموده، متعلق به قرن ۶ و ۷ است؛ «سید بن طاووس» در اقبال الاعمال آورده است:

وجدنا ذلك في كتب العبادات مرويا عن النبي ﷺ و نقلته انا من بعض كتب اصحابنا

۹۳. المدخل، ج ۱، ص ۲۹۴.

۹۴. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۵۴؛ فتاوی اللجنة الدائمة، ص ۴۲۶.

۹۵. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۳.

۹۶. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۵۷.

۹۷. قوت القلوب، ج ۱، ص ۵۳.

۹۸. گرچه در انتساب کتاب به مؤلف و همچنین مذهب خوارزمی اختلافاتی وجود دارد که در این مجال ننگنجد.

۹۹. مفید العلوم و مبیّد الهموم، ص ۱۷۱.

رحمهم الله... ۱۰۰

پس از وی ابن باقی (قرن ۷) در اختیار المصباح الکبیر این روایت را بدون ذکر سند آورده و در انتها می نویسد:

ذکر شیئاً یطول بذكره الكتاب.^{۱۰۱}

علامه حلی (قرن ۷ و ۸) نیز در اجازه کبیرش به بنی زهره، پس از ذکر سند خود تا روایت، به نقل آن پرداخته^{۱۰۲} و در منهاج الصلاح، آداب نماز لیلۃ الرغائب را از قول «جابر بن یزید جعفری» آورده است.^{۱۰۳} «کفعمی» (قرن ۹) در البلد الامین بخش هایی از این روایت را به نقل از کتاب ابن باقی نقل کرده^{۱۰۴} و «شیخ بهایی» (قرن ۱۰) نیز در جامع عباسی - که گاه از آن به عنوان اولین رساله عملیه به زبان فارسی یاد می شود - بدون ذکر منبع و سند، به بیان کیفیت برگزاری نماز لیلۃ الرغائب پرداخته است.^{۱۰۵} «شیخ حر عاملی» در وسائل الشیعه، از اقبال سید و اجازه علامه، روایت مذکور را تحت عنوان «باب استحباب صلاة الرغائب لیلۃ اول جمعة من رجب» نقل کرده است.^{۱۰۶} از عنوان شیخ حرّ چنین برمی آید که او به استحباب این نماز، حکم کرده است. او کیفیت این نماز را در کتاب هدایة الامة خود نیز آورده است.^{۱۰۷}

سایر منابع شیعی معاصر از جمله مفاتیح الجنان^{۱۰۸} و سفینه البحار شیخ عباس قمی،^{۱۰۹} مفاتیح نوین مکارم شیرازی،^{۱۱۰} کنز الدعاء ری شهری،^{۱۱۱} مفتاح الجنات سید محسن امین،^{۱۱۲}

۱۰۰. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۸۵.

۱۰۱. اختیار المصباح الکبیر، ج ۲، ص ۲۲۹.

۱۰۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۱۰۳. منهاج الصلاح، ص ۴۵۷.

۱۰۴. البلد الامین، ص ۶۹-۱۷۰.

۱۰۵. جامع عباسی، ص ۷۷.

۱۰۶. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۹۸.

۱۰۷. امل الامل، ج ۳، ص ۳۱۳.

۱۰۸. سفینه البحار، ص ۲۰۳.

۱۰۹. مفاتیح الجنان، ج ۱، ص ۳۸۱.

۱۱۰. مفاتیح نوین، ص ۶۵۳.

۱۱۱. کنز الدعاء، ج ۳، ص ۳۴۸.

۱۱۲. مفاتیح نوین، ج ۳، ص ۲۹-۳۰.

مرآة الکمال مامقانی^{۱۱۳} و.. غالباً این روایت را از *اقبال* سید بن طاووس و بحار نقل کرده‌اند. گروهی از علمای شیعه در اعتبار نماز این شب خدشه و یا تردید وارد کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، فاضل لنکرانی می‌گوید:

در اعتبار روایت *اقبال* و *بحار*، تأمل و نظراست و حکم به استحباب نماز آن مشکل است؛ اما می‌توان آن را به قصد رجاء انجام داد.^{۱۱۴}

۴. ادله انکار لیلة الرغائب نزد شیعیان

گرچه حدیث پژوهان شیعی کمتر از سنی مذهب‌بان به روایت لیلة الرغائب خدشه نموده‌اند، اما می‌توان دلایلی را که از سوی گروهی از آنان در تردید و یا انکار اعتبار روایت لیلة الرغائب مطرح شده است، در موارد ذیل خلاصه کرد:

۴-۱. ضعف سند روایت

علامه مجلسی که خود در *بحار الانوار*، نماز لیلة الرغائب را از طریق اجازه علامه حلی روایت کرده است.^{۱۱۵} در *زاد المعاد*، یکی از دلایل عدم نقل این نماز را عامی بودن طریق آن دانسته است و اجمالاً عدم اعتمادش را به اسناد تمامی روایات نمازهای ماه رجب نیز مطرح کرده است.^{۱۱۶} برخی برآن‌اند که برخورد دوگانه علامه در دو کتابش به جهت مبانی متفاوت کتاب‌های او است.^{۱۱۷}

علامه شوشتری نیز می‌نویسد:

روایتی که در *اقبال* آمده مرسل است و علامه حلی نیز سندی عامی برای آن ذکر کرده است.^{۱۱۸}

برخی معتقدند که این نماز از طریق اهل تسنن وارد کتب فقهی امامیه شده و آداب،

۱۱۳. مرآة الکمال، ج ۱، ص ۳۷۸.

۱۱۴. جامع المسائل، ج ۲، ص ۱۷۲.

۱۱۵. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۱۱۶. زاد المعاد، ص ۴۲.

۱۱۷. «بررسی اعتبار روایت لیلة الرغائب و تحقیق در معنای رغائب»، ص ۲۸۳.

۱۱۸. النجعة، ج ۳، ص ۱۰۳.

ادعیه، اذکار، اوراد و ختومات این چنینی فراوان است.^{۱۱۹} بنا بر آنچه ذکر شد، می توان نتیجه گرفت که دواشکال در اسناد روایت لیلۃ الرغائب مطرح است: ارسال سند روایت اقبال و دیگری عامی و ضعیف بودن اسناد روایت. سند روایت علامه حلی در اجازه کبیرش چنین است:

قد روى العلامة ﷺ فى اجازته الكبيرة، عن الحسن بن الدرې، عن الحاج صالح مسعود بن محمد و ابى الفضل الرازى المجاور بمشهد مولانا امير المؤمنين ﷺ قراها عليه فى محرم سنة ثلاث و سبعين و خمسمائة، عن الشيخ على بن عبد الجليل الرازى، عن شرف الدين الحسن بن على، عن سديد الدين على بن الحسن، عن عبد الرحمن بن احمد النيسابورى، عن الحسين بن على، عن الحاج مسموسم، عن ابى الفتح نورخان عبد الواحد الاصفهاني، عن عبد الواحد بن راشد الشيرازى، عن ابى الحسن الهمداني، عن على بن محمد بن سعيد البصرى، عن ابيه، عن خلف بن عبدالله الصنعاني، عن حميد الطوسى، عن انس بن مالك قال، قال رسول الله ﷺ: ...^{۱۲۰}

ظاهر روایت چنین می نماید که علامه حلی، دو سند به روایت لیلۃ الرغائب داشته است، اما در واقع تصحیف «بن» به «و» موجب چنین گمانه ای شده است و تحویلی در سند روایت وجود ندارد.^{۱۲۱} از میان راویان این روایت شرح حال «حاج مسموسم» [یا مسموسم]^{۱۲۲} و «ابوالفتح نورخان عبد الواحد الاصفهانی» - که علامه نام او را «ابوالفتح بن رجاء بن عبد الواحد الاصفهانی» ثبت کرده^{۱۲۳} - در کتب رجالی ذکر نشده است.

«الحسین بن علی» از مشترکات است و بیش از شصت نفر از راویان تحت این عنوان در کتب رجالی و حدیثی آورده شده اند که برخی از این افراد از جهت طبقه با فرد مورد نظر مطابقت ندارند؛ به عنوان نمونه، او نمی تواند «حسین بن علی اصفهانی» باشد؛ چرا که او متوفای سال ۵۱۵ است^{۱۲۴} و این تاریخ با طبقه راوی مدنظر سازگار نیست؛ اما قابل توجه آن

۱۱۹. مناجات الهیات، ص ۳۴ مقدمه احمدی.

۱۲۰. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۵-۳۹۶.

۱۲۱. در نام «ابوالفضل الرازی» تصحیفی رخ داده است؛ چرا که نام کامل راوی پیشین، الحاج الصالح مسعود بن محمد بن ابی الفضل است (طبقات اعلام الشيعة، ج ۳، ص ۴۹) و در اینجا «بن» به «و» تغییر یافته است. خود علامه نیز در جای دیگر از کتاب بحار الانوار نام او را مسعود بن محمد بن ابی الفضل ثبت نموده است (بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳).

۱۲۲. همان، ج ۱۰۴، ص ۱۲۴ پاورقی.

۱۲۳. همان، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳.

۱۲۴. امل الامل، ج ۲، ص ۹۶.

است که تمامی افرادی که از آن‌ها در کتب رجالی با عنوان «الحسین بن علی» یاد شده، ممدوح و یا موثق‌اند.^{۱۲۵} تنها «الحسین بن علی الخواتیمی» متهم و غالی است^{۱۲۶} که به جهت قرار داشتن در میان اصحاب امام رضا علیه السلام،^{۱۲۷} نمی‌تواند راوی مورد بحث بوده باشد و درباره توثیق «الحسین بن علی بن زکریا العدوی» نیز تردیدهایی وجود دارد. در رجال ابن غضائری تضعیف شده، اما از مشایخ بی‌واسطه «علی بن ابراهیم»، در تفسیر القمی است.^{۱۲۸} او نیز از جهت طبقه با راوی مذکور مطابقت ندارد. بنا بر این راوی مذکور در سند لیلۃ الرغائب موثق یا ممدوح است.

بسیاری از افراد جای‌گرفته در سند روایت، مشهور به فضل و علم هستند؛ همچون «علامه حلی» که در کتب رجالی با تعبیری همانند علامه عصر، صاحب تحقیق و تدقیق فراوان،^{۱۲۹} فاضل، عالم، علامه العلماء، محقق، مدقق، ثقة، جلیل القدر، عظیم الشأن و رفیع المنزله^{۱۳۰} توصیف شده است. تفرشی می‌گوید:

علامه از هر آنچه که مردم از زیبایی و فضل به آن توصیف شده‌اند، برتر است.^{۱۳۱}

«الحسن بن الدربی» نیز عالم جلیل القدری است.^{۱۳۲} «حاج صالح مسعود بن محمد» فقیهی صالح است^{۱۳۳} و «شیخ علی بن عبد الجلیل رازی» متکلم با ورع و اهل مناظره بوده^{۱۳۴} و «شرف‌الدین الحسن بن علی» - که علی‌الظاهر «شرف‌الدین المنتجب بن الحسین السروی» است^{۱۳۵} - فقیه فاضلی است.^{۱۳۶} «سدیدالدین علی بن الحسن» یا «سدیدالدین

۱۲۵. معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۳۴-۵۸.

۱۲۶. همان، ج ۶، ص ۵۶.

۱۲۷. همان.

۱۲۸. همان، ج ۶، ص ۴۶.

۱۲۹. الرجال، ص ۱۱۹.

۱۳۰. امل الآمل، ج ۲، ص ۸۱.

۱۳۱. نقد الرجال، ج ۲، ص ۶۹-۷۹.

۱۳۲. امل الآمل، ج ۲، ص ۶۵.

۱۳۳. فهرست منتجب‌الدین، ص ۱۱۴.

۱۳۴. همان، ص ۷۹.

۱۳۵. خلاصه الاقوال، ص ۱۰۴ پاورقی.

۱۳۶. فهرست منتجب‌الدین، ص ۱۱۶.

ابوالحسن علی بن الحسن الجاسبی^{۱۳۷} عالمی صالح و حافظ ثقه است. ۱۳۸ و ۱۳۹ «عبدالرحمن بن احمد نیشابوری» نیز صاحب تصانیف متعدد، حافظ و واعظ ثقه ای است.^{۱۴۰} طریق روایت از «عبدالواحد بن راشد شیرازی» یا «ابوالقاسم عبدالعزیز بن راشد بندگان شیرازی»^{۱۴۱} به راویان عامی مذهب می رسد؛ در کتب رجال شیعه از «عبدالعزیز بن بندگان شیرازی» - که در میان اهل تسنن از مشایخ حدیثی «ابوالحسن موازینی»^{۱۴۲} و «عبد الباقی بن جامع بن الحسن»^{۱۴۳} و از راویان ابن جهضم^{۱۴۴} به شمار رفته - و همچنین از «علی بن محمد بن سعید البصری»، «محمد بن سعید البصری»، «خلف بن عبدالله الصنعانی» و «حمیدطوسی» - که تصحیف شده حمید الطویل است^{۱۴۵} - ذکری به میان نیامده است. لذا به ترجمه بیان شده در بخش پیشین اکتفا می شود. تنها صاحب قاموس الرجال^{۱۴۶} و علامه امینی^{۱۴۷} اتهام «ابوالحسن همدانی» (ابن جهضم) را وضع روایت لیلة الرغائب بازگو کرده اند.

شیخ طوسی از «انس بن مالک» به عنوان خادم رسول خدا ﷺ یاد کرده^{۱۴۸} و کثی روایتی را که بر امتناع او از شهادت درباره حدیث غدیر و نفرین امیرالمؤمنین ﷺ بر او دلالت دارد، نقل کرده است.^{۱۴۹} همچنین در روایتی از امام صادق ﷺ او از جمله دروغگویان بر پیامبر ﷺ خوانده شده است؛^{۱۵۰} اما ابن داود حلی او را در میان ممدوحان کتابش آورده و

۱۳۷. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۴.

۱۳۸. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۰.

۱۳۹. در برخی نسخ جاستی آمده است.

۱۴۰. امل الآمل، ج ۲، ص ۱۴۷.

۱۴۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳.

۱۴۲. تاریخ مدینة دمشق، ج ۵، ص ۱۳۹.

۱۴۳. همان، ج ۳۴، ص ۷.

۱۴۴. تاریخ الاسلام، ج ۲۸، ص ۳۵۸.

۱۴۵. گرچه در کتب روایی شیعی از طریق او روایاتی نقل شده است (علل الشرایع، ج ۱، ص ۹۴؛ معانی الاخبار، ص ۱۱۸).

۱۴۶. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۹۷.

۱۴۷. الغدیر، ج ۵، ص ۲۴۵.

۱۴۸. رجال الطوسی، ص ۲۱.

۱۴۹. رجال الکشی، ص ۴۵.

۱۵۰. الخصال، ص ۱۰۹.

تنها به خادم رسول الله بودنش اشاره کرده است.^{۱۵۱} بنا بر آنچه گذشت، در اسناد شیعی روایت رغائب تا «ابن جهضم» دو نفر مجهول‌اند و سند روایت از ابن جهضم به بعد بسان اسناد اهل تسنن است. البته باید توجه کرد که انس در میان اهل تسنن توثیق و در میان شیعیان تضعیف شده است.

نکته قابل توجه آن است که با توجه ضعف‌های موجود در سند این روایت، محتوای آن به وسیله عمل صحابه معصوم تأیید شده است؛ چنان‌که علامه حلی در *منهاج الصلاح* - که در واقع گزیده‌ای، به همراه اضافات، از *مصباح المتعجد* شیخ طوسی است - می‌نویسد:

نماز لیلۃ الرغائب مستحب است. و «عمرو بن شمر» از «جابر بن یزید جعفی» نقل کرده است: شخصی که در اولین پنجشنبه ماه رجب روزی بگیرد...^{۱۵۲}

از آنجا که سیره و روش علما در ذکر فضایل و اعمال شبانه روز و کتاب‌هایی از این قبیل، متفاوت با روش آنان در ذکر روایات در مسائل حرام و حلال است و معمولاً در چنین کتبی به ذکر اسناد روایات نمی‌پردازند، علامه در *منهاج* به ذکر سند این روایت نپرداخته است.

۱-۴. ضعف محتوای روایت

علامه مجلسی بعد از بیان عدم اعتمادش به برخی روایات وارد شده درباره ماه رجب می‌نویسد:

بعضی از نمازهایی که در ماه رجب وارد شده، خصوصاً نماز لیلۃ الرغائب - که میان مغرب و عشا خوانده می‌شود - طولانی است و موجب داخل شدن در وقت نماز عشا می‌شود.^{۱۵۳}

همچنین گفته شده که حتی اگر سند این روایت نیز صحیح باشد، بندهایی از متن آن دلالت بر ساختگی بودن آن دارد؛ یکی وجود جمله «و یطلع الله علیهم اطلاعه...» خداوند ناگهان بر آنان وارد شد...». این عبارت شأن خدا را در حد مدیری که به کارگزاران خود

۱۵۱. الرجال ابن داود، ص ۶۲.

۱۵۲. *منهاج الصلاح*، ص ۴۵۶. ناقل این سخن، یعنی «عمرو بن شمر» توسط نجاشی تضعیف شده است (رجال النجاشی، ص ۲۸۷) و علامه خود نیز در *خلاصۃ الاقوال* پس از نقل سخن نجاشی می‌افزاید: «فلا أعتد علی شیء مما یرویه» (*خلاصۃ الاقوال*، ص ۲۴۱). محتمل است که علامه بر اساس قاعده تسامح براستحباب این نماز حکم نموده باشد.

۱۵۳. *زاد المعاد*، ص ۴۲.

سرکشی می کند، پایین می آورد و مستلزم جسمانیت خداوند است و دیگری وعده از میان رفتن تمامی گناهان اقامه کنندگان این نماز است که با تمام آموزه های قرآنی و روایی در تضاد است.^{۱۵۴} بنابراین سه انتقاد بر محتوای این روایت وارد شده است؛ تزامم این نماز با نماز عشا، دلالت بر جسمانیت خدا و وعده به بخشودگی تمامی گناهان.

در واکاوی این اشکالات باید توجه کرد که تزامم پیش آمده میان برگزاری نماز اول وقت عشا و اقامه نماز لیلۃ الرغائب، تزاممی در امور استحبابی است. این در حالی است که برخی از علما بر آن اند که میان مستحبات تزاممی نیست^{۱۵۵} و در این مواقع فرد مختار است تا هر کدام از مستحبات را انتخاب کند و البته در این انتخاب می تواند از ملاک های عقلی و شرعی نیز بهره برد. بلکه ممکن است در مقام ترجیح به جهت سفارش اکید شارع به اقامه نماز اول وقت، مکلف نماز اول وقت را بر نماز لیلۃ الرغائب ترجیح دهد؛ اما اگر فرد چنین ترجیحی را نگزیند، مستلزم عقاب نخواهد بود و تنها ثواب بیشتر را از دست خواهد داد؛ ضمن آن که زمان فضیلت نماز عشا بیش از یک ساعت از نماز مغرب فاصله دارد و لذا به نظر نمی رسد که میان برگزاری نماز رغائب و نماز اول وقت عشا اساساً تزاممی صورت گیرد. در پاسخ به اشکال دلالت روایت بر جسمانیت خداوند، باید توجه نمود که به فرض آن که این گونه برداشت از روایت قابل خدشه نباشد، به کار بردن استعارات و کنایه ها و تمثیلات در آیات و روایات امری رایج و طبیعی است و جملاتی که در روایت مورد بحث دال بر جسمانیت خداوند متعال فرض شده، قابل تأویل است؛ ضمن آن که اگر «یطلع» بر باب افتعال خوانده شود، به معنای آگاه ساختن است؛ نه وارد شدن. در پاسخ به خدشه در ثواب عظیم این روایت باید بگوییم که این نماز تنها عبادتی نیست که در مقابل آن وعده به از میان رفتن و بخشیده شدن تمامی گناهان داده شده باشد؛ بلکه بسیاری از اعمالی آسان تر که چنین پاداش و یا پاداشی مشابه^{۱۵۶} برای آنان فرض شده است. البته نباید از نظر دور داشت که محقق شدن چنین پاداشی منوط به شرایطی است که در این اندک ننگیند.

۱۵۴. «لیلۃ الرغائب حقیقت یا افسانه».

۱۵۵. المعجم الاصولی، ج ۱؛ ص ۵۰۹.

۱۵۶. همانند روایت «من زار علیا بعد وفاته فله الجنة» (المقنعة، ص ۴۶۲) و یا «رجل خرج بصدقة فمات فله الجنة» (تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۳۳۵) و یا «من قال لا اله الا الله وحده لا شریک له فله الجنة» (الامالی للصدوق، ص ۲۲) و «یا لیلۃ النصف من الشعبان یغفر الله لكل من زار الحسین علیه السلام من المؤمنین ما تقدم من ذنوبهم و ما تأخر» (کامل الزیارات، ص ۳۳۷).

۴-۳. عدم وجود روایت در منابع روایی

برخی معتقدند که سید بن طاووس، منبعی به غیر از منابع اهل تسنن، برای روایت مورد بحث، نداشته است و صرف احتمال وجود منابعی که به دست ما نرسیده است، باب هرج و مرج علمی را می‌گشاید.^{۱۵۷}

در بررسی و داوری این سخن باید توجه نمود که اولاً این سخن که منبعی یا منابعی از کتب روایی شیعی در دسترس سید بن طاووس بوده و وی روایت لیلۃ الرغائب را از آن نقل کرده است، فقط یک احتمال نیست که موجبات هرج و مرج در مباحث علمی را فراهم آورد، بلکه تصریح خود سید است؛ آنجا که می‌نویسد:

وجدنا ذلك في كتب العبادات مرويا عن النبي ﷺ ونقلته انا من بعض كتب اصحابنا.^{۱۵۸}

عبارت سید، به صراحت نشان‌گر آن است که این روایات در برخی کتب شیعه و اهل تسنن - که مختص به عبادات و آداب بوده - نقل شده است و ابن طاووس روایت را از منابع شیعی (کتب اصحابنا) نقل می‌کند. لذا این سخن که سید بن طاووس منبعی غیر از منابع اهل تسنن نداشته، قابل پذیرش نیست؛ گرچه سند یا اسناد روایت در منبعی یا منابعی که او این روایت را از آن‌ها بازگو کرده مشخصاً معین نیست؛ افزون بر آن که همان‌گونه که بیان آن گذشت، این روایت در منابعی قبل از سید بن طاووس، متعلق به قرن چهارم هجری، نیز نقل شده است.

۵. نتیجه مباحث

از آنچه در این پژوهش گذشت می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. علمای اهل تسنن از حدود قرن هفتم به بعد، برخورد بسیار شدیدی با روایت لیلۃ الرغائب داشته تا جایی که تعداد قابل توجهی از آنان این روایت را جعلی و نماز آن شب را بدعت خوانده‌اند؛ اما شماری از آنان خدشه‌ای به این روایت وارد ندانسته و نماز آن را از مستحبات شماره کرده و تنها برگزاری آن به جماعت را بدعت خوانده‌اند.
۲. فقهای شیعی برگزاری هرگونه نماز مستحبی را به جماعت، جایز نمی‌دانند و از طرف

۱۵۷. ر.ک: «لیلۃ الرغائب سنت یا بدعت».

۱۵۸. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۸۵.

دیگر برخی از آنان در صحت روایت رغائب تردید کرده اند و برخی دیگر آن را بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن پذیرفته اند.

۳. قدیمی ترین منبع موجود در میان اهل تسنن از این روایت، متعلق به قرن پنجم هجری و در میان شیعیان به قرن چهارم هجری بازمی گردد.

۴. سند این روایت در میان اهل تسنن و بیش از آن در میان شیعیان دارای تصحیفات متعددی است که گاه قضاوت ها و داوری های رجالی را درباره این اسناد با دشواری روبه رو می کند.

۵. نشانه هایی از نقل روایت در قرن چهارم یافت می شود. گرچه اکثر منابع شیعی آن را از اقبال سید بن طاووس نقل کرده اند، اما بنا بر تصریح سید بن طاووس و غزالی، روایت لیلۃ الرغائب در منابع حدیثی کهن شیعی و سنی موجود بوده است.

۶. طرق اهل تسنن به روایت لیلۃ الرغائب، دارای سه نفر مجهول به نام های «ابوزید اصفهانی»، «علی بن محمد بصری» و «خلف بن عبدالله صغانی» است و در شرح حال رجالی «ابن جهضم» و «حمید بن طویل» اختلاف نظر است و یک راوی (محمد بن سعید بصری) نیز مشترک میان ضعیف و مجهول است که در حکم ضعفا به شمار می رود.

۷. سید بن طاووس به صراحت بیان می کند که روایت رغائب را از منابع شیعی نقل می کند، اما سند این روایت را حذف کرده است و عمده سند منابع شیعی به روایت مذکور، اجازه علامه به بنی زهره است. انتهای این سند، از ابن جهضم به بعد، تماماً همان طریق اهل تسنن است و سند تا قبل از او دارای دو راوی ضعیف است؛ گرچه می توان ضعف سندی روایت را با عمل صحابه جبران کرد.

۸. وعده به ثواب عظیم، مشقت برگزاری آن، به کارگیری لفظ عتمه، تراحم اعمال، از نشانه های ضعف محتوای روایت نبوده تا چه رسد به مجعول بودن آن. حتی از این امور در کنار سایر قرائن نمی توان به عنوان مؤیدی بر ضعف و جعل روایت بهره برد.

۹. بدعت صورت گرفته در بیت المقدس و یا بنا بر برخی نقل ها در شام، در برگزاری این نماز به جماعت است، نه اصل اقامه آن.

۱۰. گرچه این روایت دارای سند صحیح نبوده، اما سایر خدشه های وارده بر این روایت استوار نیست.

۱۱. گروهی جعل این روایت را به ابن جهضم نسبت داده اند؛ بدون آن که دلیلی بر این امر اقامه کنند و شاید بتوان گفت تنها دلیل اتهام وی، منتهی شدن تمامی اسناد موجود روایت

به اوست؛ در حالی که در مرحله نخست باید جاعل و کذاب بودن وی ثابت شود و یا خود به جعل روایت اقرار کند و در مرحله بعد او را جاعل این روایت دانست؛ اما آنچه در کتب رجالی دیده می‌شود، این امر را تأیید نمی‌کند، بلکه حتی در برخی منابع بروثاقت او تصریح شده است. از طرفی حکم به مجعول بودن این روایت نیاز به قراین بیشتری دارد که مفقود است.

۱۲. گرچه با توجه به قاعده تسامح به جا آوردن نماز رغائب از باب استحباب یا رجا بلامانع است، اما اولاً در اصل پذیرش این قاعده، مناط حجیت و ثمره آن اختلاف نظر است و ثانیاً قاعده درباره روایات ضعیف الاسناد، جاری است و نه روایاتی که حکم به وضع آنان شده است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که افرادی که به استحباب و یا جواز اقامه این نماز به قصد رجا حکم کرده، روایت را جعلی ندانسته‌اند.

کتابنامه

- اتحاف السادة المتقين بشرح احياء علوم الدين، محمد بن محمد مرتضى زبيدي، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
- احياء علوم الدين، محمد غزالي، بيروت: دارالكتاب العربي، بی تا.
- اختيار المصباح الكبير، علي بن الحسين ابن باقى قرشى، قم: مكتبة العلامة المجلسي، ۱۳۹۰ ش.
- اعانة الطالبين، ابوبكر بكرى دمياطى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۸ ق.
- الاعلام، خيرالدين زركلى، بيروت: دارالعلم للملادين، ۱۴۱۰ ق.
- اقبال الاعمال، سيد بن طاووس، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۴۰۹ ق.
- الاقناع فى حل الفاظ ابى شجاع، محمد بن احمد شريينى، بي جا، دارالمعرفة، بي تا.
- الامالى، على بن بابويه شيخ صدوق، قم: موسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
- امل الآمل، محمد بن الحسن شيخ حر عاملى، نجف: مطبع الاداب، بي تا.
- الانساب، عبدالكريم بن محمد، سمعانى، دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
- الآثار المرفوعة فى الاخبار الموضوعه، محمد عبدالحى كنوى هندی، بغداد: مكتبة الشرق الجديد، بي تا.
- الباعث على انكار البدع والحوادث عبد الرحمن بن اسماعيل، ابن ابى شامه، مکه: مكتبة النهض الحديثة، ۱۴۰۱ ق.

- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- البحر الرائق، ابن نجیم مصری، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- البدایة والنهاية، اسماعیل بن عمر بن کثیر، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- البلد الامین والدرع الحصین، ابراهیم بن علی کفعمی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۱۸ق.
- تاریخ ابن معین، یحیی بن معین دارمی، دمشق: دارالمأمون للتراث، بی تا.
- تاریخ الاسلام، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دارالکتب العربیة، ۱۴۰۷ق.
- التاریخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری، ترکیه: المكتبة الإسلامية، بی تا.
- تاریخ مدينة دمشق، ابن عساکر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- تبیین العجب بما ورد فی شهر رجب، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی، اندلس: موسسه قرطبه، بی تا.
- تذكرة الفقهاء، حسن بن یوسف لامه حلّی، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
- ترجمه المراقبات، جواد بن شفیع ملکی تبریزی، ترجمه: کریم فیضی، قم: انتشارات قائم آل محمد، ۱۳۸۸ش.
- تنزیه الشریعه المرفوعه عن الاخبار الشنیعه الموضوعه، علی بن محمد بن عراقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ق.
- تهذیب التهذیب، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- جامع الاصول فی احادیث الرسول، مبارک بن محمد بن اثیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- جامع المسائل، محمد فاضل لنکرانی، قم: امیر، ۱۳۸۳ش.
- جامع عباسی، بهاء الدین عاملی، تهران: انتشارات فراهانی، بی تا.
- الجرح والتعديل، عبد الرحمن بن ابی حاتم رازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱ق.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، بیروت: دارحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- حاشیه ردالمختار علی الدرالمختار، محمد امین بن عمر بن عابدین، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- حقیقه السنه والبدعه، جلال الدین سیوطی، تحقیق: ذیب بن مصری، مطابع الرشید، ۱۴۰۹ق.
- الخصال، علی بن بابویه شیخ صدوق، قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف حلّی، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.

- الذیل علی طبقات الحنابلة، عبد الرحمن بن احمد بن رجب، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- الرجال، احمد بن علی نجاشی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
- الرجال، احمد بن محمد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۳.
- الرجال، حسن بن علی بن داود حلی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، نجف: المكتبة المرتضوية، بی تا.
- الرجال، محمد بن عمر کشی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- روح البیان، اسماعیل حقی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- زاد المعاد، محمد باقر مجلسی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۲۳ق.
- سفینه البحار و مدینه الحکم و الاخبار، شیخ عباس قمی، قم: اسوه، بی تا.
- سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- السنن و المبتدعات، محمد بن احمد قشیری، دارالکتاب و السنة، ۱۴۳۰ق.
- سیر اعلام النبلاء، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
- شرح احقاق الحق، سید نورالله شوشتری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق.
- شرح صحیح مسلم، محی الدین نووی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- طبقات اعلام الشیعه، محمد محسن آقا بزگ تهرانی، قم: موسسه اسماعیلیان، بی تا.
- طبقات خلیفه، خلیفه بن خیاط عصفری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- طبقات محدثین باصفهان، ابو عبدالله بن محمد، موسسه رساله، ۱۴۱۲ق.
- علل الشرایع، علی بن بابویه الصدوق، نجف: المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ش.
- علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح، قم: انتشارات مكتبة الحیدریه، ۱۴۱۷ق.
- عون المعبود، محمد عظیم آبادی، بیروت: درا الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- الغدیر، علامه امینی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ق.
- فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیه و الافتاء، احمد عبدالرزاق دویش، بی چا، بی تا.
- الفتاوی الفقهیه الکبری، ابن حجر هیثمی، بی جا، المكتبة الاسلامیه، بی تا.
- فتح الباری، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- فتح المعین بشرح قره العین بمهمات الدین، احمد بن عبدالعزیز ملیباری هندی، بیروت: دار ابن حزم، بی تا.
- فرهنگ اصطلاحات وقف در امپراطوری عثمانی، علی همت، برکی، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، ۱۳۹۵ش.

- الفهرست ، علی بن عبد الله منتجب الدين ، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی ، ۱۳۶۶ ش .
- قاموس الرجال ، محمد تقی شوشتری ، بی جا ، بی تا .
- قوت القلوب ، ابوطالب مکی ، قاهره: دار التراث ، ۱۴۲۲ ق .
- کامل الزیارات ، جعفر بن محمد بن قولویه ، قم: موسسه نشر اسلامی ، ۱۴۱۷ ق .
- کشف القناع ، منصور بن یونس بهوتی ، بیروت: دار الکتب العلمیة ، ۱۴۱۸ ق .
- کنز الدعاء ، محمد ری شهری ، قم: دار الحدیث ، ۱۳۹۲ ش .
- لسان المیزان ، ابن حجر احمد بن علی عسقلانی ، بیروت: موسسه الاعلمی ، ۱۳۹۰ ق .
- لسان العرب ، جمال الدین محمد بن مکرم ، ابن منظور ، قم: نشر ادب الحوزة ، ۱۴۰۵ ق .
- لطائف المعارف فیما لمواسم العام من الوظائف ، عبد الرحمن بن احم ابن رجب ، دار ابن حزم ، ۱۴۲۴ ق .
- لیلۃ الرغائب حقیقت یا افسانه ، غلامحسین قیصریه ها ، بی تا .
- مجموع الفتاوی ، تقی الدین احمد بن عبد الحلیم ابن تیمیہ ، مصر: دارالوفاء ، ۱۴۲۶ ق .
- المجموع ، محی الدین نووی ، بیروت: دارالفکر ، بی تا .
- المدخل ، محمد بن محمد ابن الحاج ، بی جا ، دارالتراث ، بی تا .
- مرآة الکمال ، عبدالله مامقانی ، قم: دلیل ما ، ۱۳۸۵ ش .
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، میرزا حسین نوری ، بیروت: موسسه آل البيت ، ۱۴۰۷ ق .
- معانی الاخبار ، علی بن بابویه شیخ صدوق ، قم: جامعه مدرسین ، ۱۳۶۱ ش .
- المعجم الاصولی ، محمد صنقور علی بحرانی ، قم: منشورات نقش ، ۱۴۲۶ ق .
- معجم رجال الحدیث ، ابوالقاسم خویی ، قم: مرکز نشر آثار شیعه ، ۱۴۱۰ ق .
- معجم مقاییس اللغة ، احمد بن فارس ، قم: مکتب الاعلام الاسلامی ، بی تا .
- معرفة الثقات ، احمد بن عبدالله عجلی ، مدینه: مکتبة الدار ، ۱۴۰۵ ق .
- مغنی المحتاج ، محمد بن احمد شربینی ، بیروت: دار احیاء التراث العربی ، ۱۳۷۷ ق .
- مفاتیح الغیب ، محمد بن عمر رازی ، بیروت: دار احیاء التراث العربی ، ۱۴۲۰ ق .
- مفاتیح الجنان ، شیخ عباس قمی ، تهران: مشعر ، بی تا .
- مفاتیح نوین ، ناصر مکارم شیرازی ، قم: مدرسه امام علی علیه السلام ، ۱۳۹۰ ش .
- مفتاح الجنات ، سید محسن امین ، بیروت: موسسه الاعلمی ، ۱۴۲۰ ق .
- مفتاح السعادة و مصباح السیادة ، احمد بن مصطفی طاش کبری زاده ، بیروت: دارالکتب

- العلمية، ۱۴۲۲ق.
- المفردات، راغب اصفهانی، بی تا.
- مفید العلوم ومبید الهموم، محمد بن عباس خوارزمی، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۸ق.
- المقنعة، محمد بن محمد بن نعمان مفید، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.
- المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، جمال الدین عبد الرحمن بن علی ابن جوزی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
- منهاج الصلاح فی اختصار المصباح، حسن بن یوسف علامه حلی، قم: انتشارات علامه مجلسی، ۱۴۲۰ق.
- الموضوعات، جمال الدین عبد الرحمن بن علی، ابن جوزی، مدینه: المكتبة السلفية، ۱۹۶۶م.
- میزان الاعتدال، شمس الدین محمد بن احمد ذهبی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- نقد الرجال، مصطفى بن الحسین، نفرشی، قم: موسسه آل بیت، ۱۳۷۶ش.
- وسائل الشیعة الی تحصیل المسائل الشریعة، محمد بن الحسن شیخ حر عاملی، بیروت: دار التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- هدایة الامة الی احکام الائمة، محمد بن الحسن شیخ حر عاملی، مشهد: آستان قدس رضوی، بی تا.
- «بررسی اعتبار روایت لیلة الرغائب و تحقیق در معنای رغائب»، سید محمود طیب حسینی، حدیث پژوهی، ۱۳۹۷ش، شماره ۱۹.
- «بررسی تسامح در ادله سنن»، احمد عابدینی، مجله کاوشی نودر فقه، شماره ۴۹، ۱۳۸۵ش.
- «لیلة الرغائب سنت یا بدعت»، محسن فصاحت، وبلاگ آسمان ۲۵ aasemaan25.blog.ir، ۱۳۹۵ش.